

## متن پرسش

سلام علیکم و رحمت الله؛ در خصوص پرسش شماره ۳۷۷۹۲ مواردی به نظرم رسید که لازم دیدم ذکر کنم: ۱. دوست بزرگوارمان ازدواج موقت و صیغه را به عنوان راهکار برای اطفاء شهوات نوجوانان مطرح کرده اند، در حالی که خود این موضوع صیغه تبعات بسیار زیادی دارد. بسیاری از خانمهایی که تحت این عنوان ازدواج میکنند حتی التزام حداقلی به الزامات دینی این موضوع و عده نگه داشتن و... ندارند و این مسیر غالباً برای امرار معاش انتخاب شده است. خیلی از ایشان، به طور متعدد صیغه می شوند و چون در این نوع ازدواج غالباً بحثهای جنسی و شهوانی پررنگ تر است و این افراد تجارب زیادی دارند روح و عالم حاکم بر بسیاری از آنها یک حالت جنسی نچسب و غیر روحانی می شود که کسانی که روح لطیفی دارند سریعاً متوجه می شوند، حال ما یک نوجوان با روح صاف را با این فرد مجرب صیغه کنیم به نظر من مثل این است که کسی را در دریا غرق نماییم وارد یک وادی بی انتها از لذات غیر ضروری می شود که به جای آنکه موضوع شهوت حل شود و به سایر امور زندگی بپردازد، تمام زندگی می شود همین مساله، چون به لحاظ روانشناسی، نوجوان وقتی در یک کاری قرار گیرد غرق آن می شود. فلذا بهترین حالت این است که طبق آموزه های دینی، بحث خویشتن داری در نوجوانی را به فرزنداندانان بیاموزیم و از طرف دیگر رواج ازدواج آسان را در دستور کار قرار دهیم. از نوجوانی باید برای نوجوانان ازدواج سهل و آسان تبدیل به ارزش شود. متأسفانه چوم تبلیغ این موضوع رها شده و از طرف دیگر انواع و اقسام مراسمات ازدواج با دنگ و فنکهای رنگارنگ و متنوع جدید در اینستاگرام و... در معرض دید جوانان است و اینها تبدیل به ارزش شده، به طوری که اصل ازدواج به حاشیه رفته. در حالی که ازدواج به موقع، با فرد مناسب و آگاهانه آنقدر جادبه دارد که نیازی به این حواشی نیست. حیف که ما اصل را گم کرده ایم. در خصوص بازتعریف نقش های زن و شوهر طبق زمانه امروز، موافقم که در عین حفظ اقتدار مرد و کرامت زن، خانواده امروز با خانواده دیروز متفاوت است. البته سوال کننده محترم بگونه ای مطرح کردند که در زندگی فعلی زن و شوهر فقط از غروب تا فردا صبح، همدیگر را می بینند انگار که زمانهای قبل مردها سر کار نمی رفتند، آن موقع هم مرد صبح می رفته و غروب می آمده و فرقی این بوده که در قدیم کار خانمها بیشتر در منزل بوده است اگرچه صبح تا شب آنها هم کار می کردند، حالا اداره میرن اون موقع در منزل. اما در اصل موضوع که هر دو از کار روزانه خسته بودند اما معمولاً با دیدن هم روحشان تازه می شده شک نیست. خیلی نباید مسائل را پیچیده کرد. ببخشید استاد جان که پراکنده گویی کردم، گفتم شاید بگویم بهتر است. خدا توفیقتان دهد

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همانطور که می‌فرمایید و در کتاب «زن آنگونه که باید باشد» بیان شده ما خانواده را به عنوان یک هسته توحیدی که در جای خود جهان وسیعی به حساب می‌آید در نظر نمی‌گیریم و چاره کار اصلاح همین نظر است و در آن صورت مطمئن باشید شرایط ازدواج و ادامه زندگی با سادگی تمام پیش می‌آید و جلو می‌رود و ذات انقلاب اسلامی چنین اقتضائاتی را به میان خواهد آورد. بنابراین راه حل مسئله، راه حلی نیست که در جهان در غرب پیش آمد. موفق باشید